

فهرست مطالب

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

٩

ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ + التَّعَارُفُ

الدَّرْسُ الثَّانِي

٢٦

الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ + الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ + ...

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

٣٥

مَطَرُ السَّمَكِ + أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (١) + ...

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

٤٧

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ + أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (٢) + ...

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

٥٨

﴿ هَذَا خَلَقَ اللَّهُ ﴾ + الْجُمْلَةُ الْفِعْلِيَّةُ وَ الْإِسْمِيَّةُ + ...

الدَّرْسُ السَّادِسُ

٧٢

ذَوَا الْقَرْنَيْنِ + الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ + ...

الدَّرْسُ السَّابِعُ

٨٢

يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ + الْجَزْأُ وَ الْمَجْرُورُ وَ ...

الدَّرْسُ الثَّامِنُ

٩٦

صِنَاعَةُ التَّلْمِيحِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ + اسْمُ الْفَاعِلِ ...

١٠٦

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

١٣٣

پاسخ‌نامه تشریحی

المواعظ العَدَدِيَّة

الذَّرس
الثَّاني

واژگان

● واژگان «متن درس»

- | | |
|---|---|
| ● أَمْسَكَ: به دست گرفت و نگه داشت
(ماضی، مضارع: يُمْسِكُ) | ● مَوَاعِظ: پندها |
| ● يَتَرَاخَمُ: به هم مهربانی می‌کند
(مضارع، ماضی: تَرَاخَمَ) | ● عَدَدِيَّة: شمارشی |
| ● يَكْفِي: بس است، کافی می‌باشد
(مضارع، ماضی: كَفَى) | ● يَجْرِي: جاری است، جاری می‌شود
(مضارع، ماضی: جَرَى) |
| ● كُلُّوا: بخورید (امر، للمخاطبين، ماضی:
أَكَلَ / مضارع: يَأْكُلُ) | ● أَجْرِي: جاری کرد (مضارع، ماضی: يُجْرِي) |
| ● لا تَفَرَّقُوا: پراکنده نشوید: نهی،
للمخاطبين (ماضی: تَفَرَّقُوا / مضارع: يَتَفَرَّقُونَ) | ● أَجْر: پاداش |
| ● أَخْلَصَ: مُخلص شد (ماضی، مضارع:
يُخْلِصُ) | ● عَلَّمَ: یاد داد (ماضی، مضارع: يُعَلِّمُ) |
| ● يَتَابِع: چشمه‌ها | ● حَفَرَ: کند، حفر کرد (ماضی، مضارع:
يُحْفِرُ) |
| ● وَجَعَ: درد | ● عَرَسَ: کاشت (ماضی، مضارع: يَغْرِسُ) |
| ● عَدَاوَةٌ: دشمنی | ● بَنَى: ساخت (ماضی، مضارع: يَبْنِي) |
| ● عَيَّنَ: مشخص کن (امر، ماضی: عَيَّنَ /
مضارع: يُعَيِّنُ) | ● وَزَّتْ: به ارث گذاشت (ماضی، مضارع:
يُوزِّتُ) |
| | ● مُضَحَف: قرآن |
| | ● يَسْتَعْفِرُ: آمرزش می‌خواهد (مضارع،
ماضی: اسْتَعْفَرَ) |
| | ● مِئَةٌ: صد |

● واژگان «حوار»

- سائِح: گردشگر
- مَسَاءُ الخَيْر: عصر به خیر
- مَرَّةً: بار، دفعه
- ما أَجْمَلُ: چه زیباست
- غابات: جنگل‌ها
- شَغَب: مَلَّتْ
- مِضِيف: مهمان‌دوست

● واژگان «تمارین»

- جِسايِي: ریاضی (العمليات الجسائیة: عملیات ریاضی)
- زائِد: به علاوه
- ناقِص: منهای
- یَساوی: مساوی است (مضارع، ماضی: ساوی)
- اَسبوع: هفته
- شِتا: زمستان
- خَریف: پاییز
- ذَهَبِيَّة: طلایی
- فَصِيَّة: نقره‌ای
- اَز سَلنا: فرستادیم (ماضی، متکلم مع‌الغیر، مضارع: یُزِیل)
- لَبِث: درنگ کرد
- جاءَ بِنا: آورد
- وَرَع: پارسایی، خویشتن‌داری
- قِلَّة: کمبود
- جَلَم: بردباری
- خَوْف: ترس
- سَماع: شنیدن
- نَمَلَة: مورچه
- تَفوق: بالاتر است از
- غُراب: کلاغ
- اَمْتار: مترها
- اَز قام: اعداد
- اَنوار: نورها
- اِشْرَح: بگشای (امر، ماضی: شَرَح / مضارع: یَشْرَح)
- صَدْر: سینه
- یَسَّر: آسان کن (امر، ماضی: یَسَّر / مضارع: ییسَّر)
- اَحْلَل: بگشای (امر، ماضی: حَلَّ / مضارع: یَحْلَل)
- عَقْدَة: گره
- یَفْقَهُون: می‌فهمند (مضارع، للغائبین، ماضی: فَقِه)
- اَت: بده (امر، ماضی: آتی / مضارع: یُؤْتِی)
- قِنا: ما را نگاه دار (امر، ماضی: وقی / مضارع: یَقِی)
- اَقِموا: به پا دارید (امر، للمخاطبین، ماضی: اقام / مضارع: یُقِیم)

• نَهَج: راه آشکار	• نَقَدَّمون: پیش می‌فرستید (مضارع، للمخاطبین، ماضی: قَدَّم)
• أَقْرؤُوا: بخوانید (امر، للمخاطبین، ماضی: قَرَأُ / مضارع: يَقْرَأُ)	• أَفْرَعُ صَبْرًا: صبری عطا کن (امر، ماضی: أَفْرَعُ / مضارع: يُفْرَعُ)
• تَيَسَّر: آسان شد، امکان داشت (ماضی، مضارع: يَتَيَسَّرُ)	• أَقْدَام: گام‌ها

متضاد

حَسَنَة (خوبی) ≠ سَيِّئَة (بدی)	قَلِيل (کم) ≠ كَثِير (فراوان)
طَاعَة (عبادت) ≠ مَعْصِيَة (گناه)	فَقْر (فقر) ≠ غِنَى (ثروت، دارایی)
قِلَّة (کمبود) ≠ كَثْرَة (فراوانی)	عِدَاوَة (دشمنی) ≠ صَدَاقَة (دوستی)
يَسَّر (آسان گردان) ≠ عَسَّر (سخت کن)	ما أَجْمَل (چه زیباست) ≠ ما أَقْبَح (چه زشت است)
دُنْيَا (دنیا) ≠ آخِرَة (آخرت)	زَائِد (به علاوه) ≠ نَاقِص (منهای)
حَيْر (خوبی) ≠ شَرّ (بدی)	فَائِز (برنده) ≠ خَاسِر (بازنده)

مترادف

أَرْسَلنا = بَعَثنا (فرستادیم)	سَنَة = عام (سال)
وَرَعَ = تَقَوَى (پرهیزکاری)	مَوَاعِظ = نَصَائِح (نصیحت‌ها)
قِنَا = إِحْفِظْنَا (ما را نگاه دار)	عَرَسَ = زَرَعَ (کاشت)
لَبِثَ = بَقِيَ (درنگ کرد)	مُصْحَف = قرآن (قرآن)
جِلْم = صَبِر (بردباری)	وَجَع = أَلَم (درد)
أَبَ = أَعْطَ (عطا کن)	مَسَاءَ الْخَيْر = مَسَاءَ التَّوَر (عصر به خیر)



جمع مکثر

معنی مفرد	مفرد	جمع	معنی مفرد	مفرد	جمع
ملت	شُعب	شُعوب	پند	مَوْعِظَةٌ	مَوَاعِظُ
سرزمین	بَلَدَةٌ، بَلَدٌ	بِلَادٌ	پاداش	أَجْرٌ	أُجُورٌ
هفته	أُسْبُوعٌ	أَسَابِيعٌ	جزء، بخش	جُزْءٌ	أَجْزَاءٌ
هزار	أَلْفٌ	آلَافٌ	چاه	بِئْرٌ	أَبَارٌ
نمونه	مِثَالٌ	أَمْثِلَةٌ	زبان	لِسَانٌ	أَلْسِنَةٌ
گناه	مَعْصِيَةٌ	مَعَاصِيٌ	عدد	عَدَدٌ	أَعْدَادٌ
گام	قَدَمٌ	أَقْدَامٌ	مرد	رَجُلٌ	رِجَالٌ
متر	مِترٌ	أَمْتَارٌ	در	بَابٌ	أَبْوَابٌ
دقیقه	دَقِيقَةٌ	دَقَائِقٌ	بیچاره، فقیر	مَسْكِينٌ	مَسَاكِينٌ
عدد	رَقْمٌ	أَرْقَامٌ	روز	يَوْمٌ	أَيَّامٌ
روشنایی، نور	نورٌ	أَنْوَارٌ	دانه	حَبَّةٌ	حُبُوبٌ
کار	أَمْرٌ	أُمُورٌ	گردشگر	سَائِحٌ	سَيَّاحٌ
خود، نفس	نَفْسٌ	أَنْفُسٌ، نَفُوسٌ	پیشوا	إِمَامٌ	أَيْمَّةٌ

عبارات مهم

تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً: ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: پنجاهی شمارشی (عددی) از رسول خدا ﷺ. سَبْعٌ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْزُهُنَّ: هفت چیز پاداشش برای بنده جاری است (جاری می‌شود).

مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا: هر کس دانشی را یاد داد (یاد بدهد).
 تَرَكَ وَوَلَدًا يَسْتَفِيزُ لَهُ: فرزندی به جا بگذارد که برایش طلب آموزش کند.
 أَسْنَسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ: نود و نه (جزء را) نزدش نگه داشت.
 يَتَرَاخَمُ الْخَلْقُ: آفریدگان به یکدیگر مهربانی می کنند.
 كَلُّوا جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا: همگی بخورید و پراکنده نشوید.
 عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ: باید (واجب است) با جماعت باشید.
 مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ: هر
 کس چهل صبح برای خداوند مُخلص شود، چشمه های دانش از قلبش بر زبانش آشکار می شود.

هَلْ حَضَرَتْكَ مِنَ الْعِرَاقِ؟: آیا جنابعالی اهل عراق هستی؟

كَمْ مَرَّةً جِئْتَ؟: چند بار آمدی؟

كَمْ عَمْرُكَ؟: چند سالت است؟

ثَامِنٌ أَيْمَتِنَا: هشتمین امام ما

السَّعْبُ الْإِيرَانِي، شَعَبٌ مِضْيَافٌ: ملت ایرانی ملت مهمان دوستی است.

يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً: نفر اول جایزه طلا را می گیرد.

﴿ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا عَامًا ﴾: همانا نوح را به

سوی قومش فرستادیم پس میان آن ها ۹۵۰ سال درنگ کرد.

﴿ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ﴾: هر کس خوبی آورد ده برابر مثل

آن برای او است.

الْوَرَعُ فِي الْخَلْوَةِ: تقوا در تنهایی

هَلْ تَعَلَّمَ الْكَلْبُ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا: آیا

می دانی سگ بر شنیدن صدای ساعت از مسافت چهل قدمی قادر است؟

يَقُوُّ وَزَنَها حَمْسِينَ مَرَّةً: ورنش پنجاه برابر بالاتر است.

ثمانينَ في المِئَةِ: ۸۰ درصد

سِتَّةَ أمتارٍ: شش متر

﴿إشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي﴾: سينه‌ام را براي‌م بگشای و کارم را براي‌م آسان گردان.

﴿وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾: و گره از زبانی‌م بگشا [تا] سخنی‌م را بفهمند.

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا مِنْ عَذَابِ النَّارِ﴾: خدایا در دنیا و در آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش نگاه دار.

﴿وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾: نماز را بر پای دارید و زکات بدهید و هر چه را از کار نیک برای خودتان پیش بفرستید، آن را نزد خدا می‌یابید.

﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾: صبری به ما عطا کن و گام‌های ما را استوار گردان و ما را بر مردم کافر پیروز گردان. ﴿فَاقْرَءُوا ما تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾: پس هر چه قدر می‌توانید از قرآن بخوانید.

قواعد درس دوم

اعداد به دو بخش تقسیم می‌شوند:

۱. اعداد اصلی (شمارشی)

اعدادی که برای شمارش به کار می‌روند.

مثال واحد، اثنان، ثلاثة ...

۲. اعداد ترتیبی

اعدادی که برای نشان دادن رتبه به کار می‌روند: الأول، الثاني، الثالث ...
در زبان فارسی اعداد اصلی را به صورت یک، دو، سه ... و اعداد ترتیبی را به شکل یکم، یکمین / دوم، دومین ... به کار می‌برند.

اعداد اصلى و ترتيبى «يك تا بيست» و «اعداد دهگان» در جدول زير نشان داده شده است.

عقود (دهگان)	الأعداد الترتيبية (الأول إلى العشرين)		الأعداد الأصلية (واحد إلى عشرين)	
عَشْرَة ١٠	أَلْحَادِي عَشْرَ م ١١	الأوَّل م ١	أَحَدَ عَشْرَ ١١	واحد ١
عِشْرُونَ ٢٠	الثَّانِي عَشْرَ م ١٢	الثَّانِي م ٢	إِثْنَا عَشْرَ ١٢	إِثْنَانِ ٢
ثَلَاثُونَ ٣٠	الثَّالِثَ عَشْرَ م ١٣	الثَّالِثَ م ٣	ثَلَاثَةَ عَشْرَ ١٣	ثَلَاثَةٌ ٣
عقود (دهگان)	الأعداد الترتيبية (الأول إلى العشرين)		الأعداد الأصلية (واحد إلى عشرين)	
أَرْبَعُونَ ٤٠	الرَّابِعَ عَشْرَ م ١٤	الرَّابِعَ م ٤	أَرْبَعَةَ عَشْرَ ١٤	أَرْبَعَةٌ ٤
خَمْسُونَ ٥٠	الخَامِسَ عَشْرَ م ١٥	الخَامِسَ م ٥	خَمْسَةَ عَشْرَ ١٥	خَمْسَةٌ ٥
سِتُونَ ٦٠	السَّادِسَ عَشْرَ م ١٦	السَّادِسَ م ٦	سِتَّةَ عَشْرَ ١٦	سِتَّةٌ ٦
سَبْعُونَ ٧٠	السَّابِعَ عَشْرَ م ١٧	السَّابِعَ م ٧	سَبْعَةَ عَشْرَ ١٧	سَبْعَةٌ ٧
ثَمَانُونَ ٨٠	الثَّمَانِينَ عَشْرَ م ١٨	الثَّمَانِينَ م ٨	ثَمَانِيَةَ عَشْرَ ١٨	ثَمَانِيَةٌ ٨
تِسْعُونَ ٩٠	التَّاسِعَ عَشْرَ م ١٩	التَّاسِعَ م ٩	تِسْعَةَ عَشْرَ ١٩	تِسْعَةٌ ٩
مِئَةٌ ١٠٠	العِشْرُونَ م ٢٠	العَاشِرَ م ١٠	عِشْرُونَ ٢٠	عَشْرَةٌ ١٠

به آن چه که مورد شمارش قرار می‌گیرد «معدود» می‌گوییم؛ مثلاً:

ثلاثين ليلة
معدود

ثمانية كُتِبَ
معدود

چند نکته پیرامون اعداد اصلی (شمارشی)

۱ اعداد یک و دو به شکل‌های واحد، واحدة / اثنان، اثنین، اثنان، اثنین نمایش داده می‌شود.

۲ در اعداد «یک و دو» ابتدا معدود و سپس عدد می‌آید. [معدود + عدد]

مثال رَجُلٌ وَاحِدٌ = یک مرد / شَجَرَتَانِ اِثْنَتَانِ = دو درخت

۳ گاهی عددهای «ثلاثة» تا «عَشْرَةَ» بدون «ة» می‌آید. مانند: ثلاث، أربع و ...

۴ اعداد «ثلاثة و أربعة ...» همانند فارسی ابتدا عدد و سپس معدود می‌آید [عدد + معدود].

مثال سَبْعَةُ اُبوابٍ = هفت در / مِئَةٌ حَبَّةٌ = صد دانه

۵ اعداد بین دهگان (۲۱ تا ۲۹ / ۳۱ تا ۳۹ / ... / ۹۱ تا ۹۹) به این روش نمایش داده می‌شود: [یکان + و + دهگان]

مثال ۴۳ ← ثلاثة و أربعون، ۹۷ ← سَبْعَةُ و تِسعون

۶ اعداد دهگان (عُقود) (عشرون، ثلاثون، ...، تِسعون) به صورت «عشرین، ثلاثین، ...، تِسعين» نیز می‌آیند.

۷ «مِئَةٌ» به معنای «صد» به صورت «مِائَةٌ» نیز نوشته می‌شود و «ألف» به معنای «هزار» می‌باشد.

سؤال دو گزینته‌ای

عَيْنَ الصَّحِيحِ:

إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي (شش) أَيَّامٍ.

۱) سِتَّةٌ ۲) السَّادِسَ

پاسخ: گزینه «۱» «سِتَّة» به معنای «شش» و «السَّادِسَ» به معنای ششم است.

چند نکته پیرامون اعداد ترتیبی

۱ در اعداد ترتیبی همانند فارسی ابتدا معدود و سپس عدد می‌آید.
[معدود + عدد]

مثال: الدَّرْسُ الثَّانِي: درس دوم

۲ اعداد ترتیبی (الأوَّل، الثَّانِي، ...) نقش صفت را دارند، بنابراین باید در همه موارد با موصوف خود هماهنگ باشند.

أَلْيَوْمَ التَّاسِعُ	الصفحة الرابعة
موصوف صفت	موصوف صفت

۳ الأوَّل (یکم) را به شکل «الأوَّلِي» که مؤنث است نیز نمایش می‌دهند و سایر اعداد ترتیبی با آوردن «ة» مؤنث می‌شود «الثَّانِيَّة، الثَّالِثَةُ ...»

سؤال دو گزینته‌ای

عَيْنَ الْأَصَحِّحِ وَالْأَدَقِّ لِلتَّرْجَمَةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

در صفحه پنجم از درس هشتم، چهار کلمه آمده است که هیچ مفهومی ندارد.

۱) جاء في خَمْسَةِ صفحاتٍ مِنْ ثمانية دروس، رابعة كلماتٍ لا مفهوم لها.

۲) جاءت في الصفحة الخامسة من الدرس الثامن، أربعة كلماتٍ لا مفهوم لها.

پاسخ: گزینه «۲» «پنجم» و «هشتم» عدد ترتیبی هستند و باید به شکل «الخامسة» و «الثامن» ترجمه شوند و هم‌چنین «چهار» عدد اصلی است، پس باید به شکل «أربعة» ترجمه شود. در گزینه «۱»، اعداد ترتیبی و اصلی اشتباه آمده‌اند.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای شماره ۱۳ تا ۲۲ را در انتهای کتاب ملاحظه فرمایید.

•• اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِيْنَ:
 حينما نَذْهَبُ إِلَى الْمَنَاطِقِ الْحَارَّةِ نَشَاهِدُ مَنَاطِرَ جَدَّابَةً، كَأَشْجَارِ النَّخْلِ الْجَمِيلَةِ. لِلنَّخْلِ أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ فَمِنْهَا نَخِيلُ التَّمْرِ وَنَخِيلُ الزَّيْتِ وَ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ النَّخْلِ ٢٧ مِترًا وَ جِدْعُهُ حَسَنٌ جِدًّا.
 ١١- عَيِّنِ الْخَطَأَ عَنِ شَجَرَةِ النَّخْلِ:

- (١) يَنْمُو النَّخْلُ فِي الْمَنَاطِقِ الْحَارَّةِ!
 - (٢) لِلنَّخْلِ أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ وَ مَنَاطِرٌ جَمِيلَةٌ!
 - (٣) جِدْعُ النَّخْلِ حَسَنٌ جِدًّا!
 - (٤) التَّمْرُ غَالٍ جِدًّا!
- ١٢- مَا نَشَاهِدُ حِينَ نَذْهَبُ إِلَى الْمَنَاطِقِ الْحَارَّةِ:

- (١) نَشَاهِدُ نَخِيلَ التَّمْرِ فَقَطْ!
- (٢) قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ النَّخْلِ ٢٧ مِترًا!
- (٣) نَشَاهِدُ مَنَاطِرَ جَدَّابَةً مِنْ أَنْوَاعِ النَّخِيلِ!
- (٤) جِدْعُ النَّخِيلِ حَسَنٌ جِدًّا!

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوم

١٣- عَيِّنِ الْخَطَأَ:
 (سراسری تجربی)

- (١) هُنَاكَ ثَالِثَةٌ كُتِبَ لَمْ أَقْرَأْهَا حَتَّى الْآنَ!
- (٢) طَالَعْتُ الْمَقَالَةَ الثَّامِنَةَ لِهَذَا الْعَالِمِ!
- (٣) حَضَرَتِ الطَّالِبَةُ الرَّابِعَةُ أَيْضًا فِي الصَّفِّ!
- (٤) خَرَجَ أَحَدٌ عَشْرَ تَلْمِيذًا مِنَ الْمَدْرَسَةِ!

١٤- عَيِّنِ مَا لَيْسَ فِيهِ الْعَدَدُ التَّرْتِيبِيَّ:
 (سراسری خارج)

- (١) رَاجَعْتُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ لِأَخِذَ كِتَابًا خَاصًّا.
- (٢) وَ أَحْيَرًا جِئْتُ بِالْكِتَابِ إِلَى الْبَيْتِ فِي الْمَرَّةِ السَّادِسَةِ.
- (٣) فَبَدَأْتُ بِقِرَاءَتِهِ مَرَّتَيْنِ وَلَكِنِّي مَا فَهَمْتُهُ حَتَّى فِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.
- (٤) وَ بَعْدَ أَنْ تَأَمَّلْتُ فِيهِ كَثِيرًا وَ فِي الْمَرَحَلَةِ الْعَاشِرَةِ، فَهَمْتُهُ جِدًّا!



(سراسری ریاضی)

۱۵- عین العدد صفة كله:

- ۱) فاز خَمْسَة مِنَ التَّلَامِيذِ فِي صَفِّينِ إِثْنَيْنِ عَلَيَّ جَائِزَةً!
- ۲) لِكُلِّ أُسْبُوعٍ سَبْعَةٌ أَيَّامٌ، وَ الْيَوْمَ السَّابِعُ مِنْهُ يَوْمُ الْعُطْلَةِ!
- ۳) أُسْتَشْهِدُ الْإِمَامَ الثَّالِثَ فِي الْيَوْمِ الْعَاشِرِ مِنَ الشَّهْرِ الْحَرَامِ!
- ۴) كَانَتْ عُطْلَةُ الْمَدَارِسِ أَحَدَ عَشَرَ يَوْمًا، سَافَرْتُ سِتَّةَ أَيَّامٍ مِنْهَا فَقَطْ!

(سراسری زبان)

۱۶- عین العدد صفة:

- ۱) السَّنَةُ الدَّرَاسِيَّةُ تَتَكُونُ مِنْ تِسْعَةِ أَشْهُرٍ،
- ۲) وَ ثَلَاثَةِ الشُّهُورِ الْآخَرِي تَخْتَصُّ بِالْعُطْلَةِ،
- ۳) وَ نَقْرَأُ فِي الْحِصَّةِ الثَّالِثَةِ مِنَ السَّنَةِ الْأَدَبَ الْفَارِسِيَّ،
- ۴) وَ لِلُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ إِثْنَا عَشَرَ دَرْسًا نَقْرَأُهَا طَوَلَ السَّنَةِ!

(سراسری انسانی)

۱۷- عین الصحيح:

- ۱) عَشْرُونَ رِيَالًا فِي خَمْسَةِ يَسَاوِي مِائَةِ رِيَالٍ!
- ۲) تِسْعُونَ رِيَالًا نَاقِصٌ عِشْرِينَ يَسَاوِي سِتِّينَ رِيَالًا!
- ۳) أَحَدُ عَشَرَ رِيَالًا زَائِدٌ تِسْعَةَ يَسَاوِي سَبْعَةَ رِيَالَاتٍ!
- ۴) ثَمَانُونَ رِيَالًا تَقْسِيمٌ عَلَى عِشْرِينَ يَسَاوِي أَرْبَعِينَ رِيَالًا!

(سراسری تجربی)

•• عین الأصح و الأدق في الترجمة إلى العربية:

۱۸- «در صفحه ششم از درس نهم، پنج کلمه آمده که دو تای آنها مفهومی ندارند.»

- ۱) جاءت في الصفحة السادسة من الدرس التاسع خمس كلمات، كلمتان منها بدون مفهوم!
- ۲) كتبت في الصفحة سادسة من درس التاسع خمسة كلمات، كلمتان إثنان منه غير مفهوم!
- ۳) ورد في ست صفحات من تسعة دروس خمس كلمات، كلمتان منه بدون مفهوم!
- ۴) ورد في ستة صفحات من تسع دروس خمسة كلمات، إثنان منها غير مفهوم!

۱۹- عَيْنَ الصَّحِيحِ: «إِنَّ مِنْ أَخْلِصِ النَّاسِ مَنْ تَجْرِي يَنْبِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ!»
(سراسری ریاضی)

(۱) از مردم بااخلاص تر کسی است که چشمه‌های حکمتی از قلب وی بر زبانش روانه شود!

(۲) کسی که چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبانش جاری می‌شود، از خالص‌ترین مردم است!

(۳) از خالص‌ترین مردمان کسی است که چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبان وی جاری شده باشد!

(۴) کسی که چشمه‌های حکمت را از قلب خویش بر زبان روانه سازد، از بااخلاص‌ترین مردمان است!

۲۰- عَيْنِ الْخَطَا:

(۱) لَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا: در میان آن‌ها ۹۵۰ سال درنگ کرد.

(۲) رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا: پروردگارا ما بر ما صبری عطا کرد.

(۳) رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي: پروردگارا، سینه‌ام را برایم بگشای.

(۴) الشَّعْبُ الْإِيرَانِي شَعْبٌ مِضْيَافٌ: ملت ایرانی ملتی مهمان‌دوست است.

• اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِي ثُمَّ اجِبْ عَنِ السُّؤَالِيْنَ: (سراسری خارج با تغییر)

تَشْتَرِكِ الْمَوْجُودَاتِ الْحَيَّةِ بِخَصَائِصِ ثَلَاثٍ؛ أَوْلُهَا التَّنْفُسُ وَ ثَانِيهَا حَوَائِجُهَا الْغَرِيزِيَّةُ وَ ثَالِثُهَا اسْتِمْرَارُ نُمُوِّهَا إِلَى نِهَائِيَّةِ حَيَاتِهَا. بَعْضُ الْحَيَوَانَاتِ يَعْيشُ عِدَّةَ سَاعَاتٍ وَ الْآخَرَ عِدَّةَ سَنَوَاتٍ، فَالْأَشْجَارُ تَعْيشُ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ سَنَةٍ، فَالْإِنْسَانُ بِسَبَبِ التَّقَدِّمَاتِ الطَّبِيَّةِ يَعْيشُ الْآنَ أَكْثَرَ بِالنَّسْبَةِ إِلَى الْمَاضِي.

۲۱- لِمَاذَا يَعْيشُ الْإِنْسَانُ الْآنَ أَكْثَرَ بِالنَّسْبَةِ إِلَى الْمَاضِي؟

(۱) لِأَنَّ لَهُ قُوَّةَ الْفِكْرِ وَ يَقْدِرُ أَنْ يَعْيشَ سِنَوَاتٍ!

(۲) بِسَبَبِ التَّقَدِّمَاتِ الطَّبِيَّةِ يَعْيشُ أَكْثَرَ بِالنَّسْبَةِ إِلَى الْمَاضِي!

(۳) لِأَنَّ تَنْفُسَهُ وَ غَرِيزَتَهُ وَ نُمُوَّهُ أَكْثَرَ مِنْ سَائِرِ الْمَوْجُودَاتِ!

(۴) يَعْيشُ الْإِنْسَانُ بِسَبَبِ غَرِيزَتِهِ عِدَّةَ سَنَوَاتٍ!



۱۲- **گزینه ۲** - ترجمه صورت سؤال: هنگامی که به مناطق گرمسیر

می‌رویم، چه چیزی می‌بینیم؟

ترجمه گزینه (۳): منظره‌های زیبایی از انواع نخل‌ها را می‌بینیم. (صحیح)

ترجمه سایر گزینه‌ها - **گزینه (۱)**: فقط نخل‌های خرما را می‌بینیم. (غلط)

گزینه (۲): گاهی ارتفاع نخل به ۲۷ متر می‌رسد. (ارتباطی به پاسخ سؤال

ندارد، پس غلط است.) **گزینه (۴)**: تنه نخل‌ها بسیار زبر هستند. (ارتباطی

به پاسخ سؤال ندارد، پس غلط است.)

۱۳- **گزینه ۱** - «ثالثة = سومین» عدد ترتیبی است و استفاده از عدد

ترتیبی در این‌جا معنای جمله را غلط خواهد کرد و باید از اعداد اصلی

استفاده شود؛ ضمناً در اعداد ترتیبی، اول معدود و سپس عدد می‌آید.

ترجمه: سومین کتاب وجود دارد که تا الآن آن را خوانده‌ام. (غلط)

بررسی سایر گزینه‌ها - **گزینه (۲)**: [المقالة الثامنة = هشتمین مقاله]

ترجمه: هشتمین مقاله برای این دانشمند را خواندم. قاعده نگارش اعداد

ترتیبی: معدود + عدد ترتیبی **گزینه (۳)**: [الطالبة الرابعة = چهارمین

دانش‌آموز] صحیح است. ترجمه: چهارمین دانش‌آموز هم‌چنین در کلاس

حاضر است، قاعده نگارش اعداد ترتیبی: [معدود + عدد ترتیبی] است.

گزینه (۴): «أحد عشر» عدد اصلی (شمارشی) است و قاعده آن [عدد اصلی +

معدود] رعایت شده است. ترجمه: یازده دانش‌آموز از مدرسه خارج شدند.

۱۴- **گزینه ۱** - ترجمه صورت سؤال: عبارتی را که در آن عدد ترتیبی وجود

ندارد مشخص کنید. **گزینه (۱)**: «خمس: پنج» عدد اصلی است. ترجمه: پنج

بار به کتابخانه مراجعه کردم تا کتاب خاصی را بگیرم.

بررسی سایر گزینه‌ها - **گزینه (۲)**: «السادس: ششم» عدد ترتیبی است.

ترجمه: و سرانجام کتاب را در بار ششم به خانه آوردم. **گزینه (۳)**: «الثانية: دوم»

عدد ترتیبی است. ترجمه: برای دومین بار شروع به خواندنش کردم ولی آن را

نفهمیدم حتی در بار دوم. **گزینه (۴)**: «العاشرة: دهم» عدد ترتیبی است. ترجمه:

بعد از این که بسیار در آن اندیشیدم و در مرحله دهم، آن را خوب فهمیدم.

۱۵- **گزینه ۲** - همیشه اعداد ترتیبی صفت هستند. «الثالث» و «العاشِر» هر دو عدد ترتیبی هستند و بعد از معدود آمده، در نتیجه صفت هستند.
[معدود + عدد ترتیبی]

صفت

ترجمه: امام سوم در روز دهم از ماه حرام شهید شد.

[درس سائر گزینه‌ها] - **گزینه (۱)**: «خمسة» عدد اصلی است و نمی‌تواند صفت باشد. اما «اثنین» صفت است. ترجمه: پنج‌تا از دانش‌آموزان در دو کلاس برنده جایزه شدند. **گزینه (۲)**: «سبعة» عدد اصلی است و «السابع» عدد ترتیبی و صفت است. ترجمه: هر هفته، هفت روز دارد و روز هفتم از آن روز تعطیل است. **گزینه (۴)**: «أحد عشر» و «ستة» اعداد اصلی هستند. ترجمه: تعطیلات مدارس یازده روز بود، فقط شش روز از آن را سفر کردم.

۱۶- **گزینه ۲** - «الْحِصَّةُ الثَّالِثَةُ = سومین رنگ» عدد ترتیبی است و می‌دانیم اعداد ترتیبی صفت محسوب می‌شوند، پس «الثالثة» صفت خواهد بود. ترجمه: در سومین بخش از سال، ادبیات فارسی را می‌خوانیم.

[درس سائر گزینه‌ها] - **گزینه (۱)**: «تسعة أشهر = ۹ ماه» عدد اصلی است. ترجمه: سال درسی از ۹ ماه تشکیل می‌شود. **گزینه (۲)**: «ثلاثة الشهور = سه ماه» نیز عدد اصلی است. ترجمه: سه ماه دیگر به تعطیلی اختصاص دارد. **گزینه (۴)**: «اثننا عشر درساً = دوازده درس» عدد اصلی است و نمی‌تواند صفت باشد. ترجمه: زبان عربی دوازده درس دارد که آن‌ها را در طول سال می‌خوانیم.

۱۷- **گزینه ۱**



زائد = جمع / ناقص = منها / في = ضرب در / تقسیم علی = تقسیم بر
 ترجمه: بیست ریال ضرب در پنج مساوی است با صد ریال.

صحيح $(20 \times 5 = 100)$